

دو شاهد

¹و نیای مثل عصا به من داده شد و مرا گفت: برخیز و قدس خدا و مذبح و آنانی را که در آن عبادت می‌کنند پیمایش نما.² و صحن خارج قدس را بیرون انداز و آن را میپما زیرا که به امت‌ها داده شده است و شهر مقدّس را چهل و دو ماه پایمال خواهند نمود.³ و به دو شاهد خود خواهم داد که پلاس در بر کرده، مدّت هزار و دویست و شصت روز نبوّت نمایند. اینانند دو درخت زیتون و دو چراغدان که در حضور خداوند زمین ایستاده‌اند.⁵ و اگر کسی بخواهد بدیشان اذیت رساند، آتشی از دهانشان بدر شده، دشمنان ایشان را فرو می‌گیرد؛ و هر که قصد اذیت ایشان دارد، بدینگونه باید کشته شود.⁶ اینها قدرت به بستن آسمان دارند تا در ایّام نبوّت ایشان باران نبارد و قدرت بر آنها دارند که آنها را به خون تبدیل نمایند و جهان را هر گاه بخواهند، به انواع بلایا مبتلا سازند.⁷ و چون شهادت خود را به اتمام رسانند، آن وحش که از هاویه برمی‌آید، با ایشان جنگ کرده، غلبه خواهد یافت و ایشان را خواهد کُشت⁸ و بدنهای ایشان در شارع عامّ شهر عظیم که به معنی روحانی، به سدوم و مصر مسمّی است، جایی که خداوند ایشان نیز مصلوب گشت، خواهد ماند.⁹ و گروهی از اقوام و قبایل و زبانها و امت‌ها، بدنهای ایشان را سه روز و نیم نظاره می‌کنند و اجازت نمی‌دهند که بدنهای ایشان را به قبر سپارند.¹⁰ و ساکنان زمین بر ایشان خوشی و شادی می‌کنند و نزد یکدیگر هدایا خواهند فرستاد، از آنرو که این دو نبی ساکنان زمین را معذب ساختند.¹¹ و بعد از سه روز و نیم، روح حیات از خدا بدیشان درآمد که بر پایهای خود ایستادند و بینندگان ایشان را خوفی عظیم فرو گرفت.¹² و آوازی بلند از آسمان شنیدند که بدیشان می‌گوید، به اینجا صعود نمایید. پس در ابر، به آسمان بالا شدند و دشمنانشان ایشان را دیدند.¹³ و در همان ساعت، زلزلهای عظیم حادث گشت که ده یک از شهر منهدم گردید و هفت هزار نفر از زلزله هلاک شدند و باقی‌ماندگان ترسانگشته، خدای آسمان را تمجید کردند.¹⁴ وای دوّم درگذشته است. اینک، وای سوم بزودی می‌آید.

هفتمین کژنای

¹⁵و فرشته‌ای بناخت که ناگاه صداهای بلند در آسمان

¹And there was given me a reed like unto a rod: and the angel stood, saying, Rise, and measure the temple of God, and the altar, and them that worship therein.² But the court which is without the temple leave out, and measure it not; for it is given unto the Gentiles: and the holy city shall they tread under foot forty and two months.³ And I will give power unto my two witnesses, and they shall prophesy a thousand two hundred and threescore days, clothed in sackcloth.⁴ These are the two olive trees, and the two candlesticks standing before the God of the earth.⁵ And if any man will hurt them, fire proceedeth out of their mouth, and devoureth their enemies: and if any man will hurt them, he must in this manner be killed.⁶ These have power to shut heaven, that it rain not in the days of their prophecy: and have power over waters to turn them to blood, and to smite the earth with all plagues, as often as they will.⁷ And when they shall have finished their testimony, the beast that ascendeth out of the bottomless pit shall make war against them, and shall overcome them, and kill them.⁸ And their dead bodies shall lie in the street of the great city, which spiritually is called Sodom and Egypt, where also our Lord was crucified.⁹ And they of the people and kindreds and tongues and nations shall see their dead bodies three days and an half, and shall not suffer their dead bodies to be put in graves.¹⁰ And they that dwell upon the earth shall rejoice over them, and make merry, and shall send gifts one to another; because these two prophets tormented them that dwelt on the

واقع شد که می‌گفتند: سلطنت جهان از آن خداوند ما و مسیح او شد و تا ابدالآباد حکمرانی خواهد کرد.¹⁶ و آن بیست و چهار پیر که در حضور خدا بر تختهای خود نشستند، به روی درافتاده، خدا را سجده کردند¹⁷ و گفتند: تو را شکر می‌کنیم، ای خداوند خدای قادر مطلق، که هستی و بودی، زیرا که قوّت عظیم خود را بدست گرفته، به سلطنت پرداختی.¹⁸ و امّت‌ها خشمناک شدند و غضب تو ظاهر گردید و وقت مردگان رسید تا بر ایشان داوری شود و تا بندگان خود، یعنی انبیا و مقدّسان و ترسندگان نام خود را چه کوچک و چه بزرگ اجرت دهی و مُفسدان زمین را فاسد گردانی.¹⁹ و قدس خدا در آسمان مفتوح گشت و تابوت عهدنامه او در قدس او ظاهر شد و برق‌ها و دها و رعد‌ها و زلزله و تگرگ عظیمی حادث شد.

earth.¹¹ And after three days and an half the Spirit of life from God entered into them, and they stood upon their feet; and great fear fell upon them which saw them.¹² And they heard a great voice from heaven saying unto them, Come up hither. And they ascended up to heaven in a cloud; and their enemies beheld them.¹³ And the same hour was there a great earthquake, and the tenth part of the city fell, and in the earthquake were slain of men seven thousand: and the remnant were affrighted, and gave glory to the God of heaven.¹⁴ The second woe is past; and, behold, the third woe cometh quickly.¹⁵ And the seventh angel sounded; and there were great voices in heaven, saying, The kingdoms of this world are become the kingdoms of our Lord, and of his Christ; and he shall reign for ever and ever.¹⁶ And the four and twenty elders, which sat before God on their seats, fell upon their faces, and worshipped God,¹⁷ Saying, We give thee thanks, O Lord God Almighty, which art, and wast, and art to come; because thou hast taken to thee thy great power, and hast reigned.¹⁸ And the nations were angry, and thy wrath is come, and the time of the dead, that they should be judged, and that thou shouldest give reward unto thy servants the prophets, and to the saints, and them that fear thy name, small and great; and shouldest destroy them which destroy the earth.¹⁹ And the temple of God was opened in heaven, and there was seen in his temple the ark of his testament: and there were lightnings, and voices, and thunderings, and an earthquake, and great

hail.